

مجازات آخرین راه کار کنترل انحرافات اجتماعی با تأکید بر دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۱

علیرضا محسنی تبریزی^۱

حفیظ‌الله فولادی^۲

چکیده

اتخاذ مجموعه راه‌کارهایی در قالب مجازات هنجارشکنان، اقدامی است که پس از کاربست راه‌کارهای پیشگیرانه و اصلاحی، با هدف حفظ انتظام و همبستگی اجتماعی، گریزناپذیر است. بررسی دیدگاه امام علی علیه‌السلام برای شناسایی مجموعه اقدامات مؤثر برای تحقق هدف مذکور و الگوگیری از آن در جامعه دینی، یکی از ضرورت‌های پژوهشی است که در این مقاله گزاره‌های مرتبط با مقوله مجازات از کتاب نهج‌البلاغه استخراج و با استفاده از روش کیفی و بهره‌گیری از تکنیک نظریه مبنایی، داده‌ها کدگذاری شده و سپس در قالب مقوله‌های محوری دسته‌بندی و در نهایت، مقوله‌گزینی با عنوان «مجازات مجرمان» انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته شد. از آنجا که داده‌ها نظری و متن‌محور بوده، از روش تحلیل محتوا نیز برای توصیف آنها استفاده شد. در این راستا راه‌کارهایی از قبیل مجازات بدنی، مجازات روحی و روانی، مجازات سلب صلاحیت، مجازات اقتصادی و حتی با مجازات سلب حیات از افراد هنجارشکن مطابق با برخی جرم‌ها و با در نظر گرفتن شرایط به‌کارگیری هریک از مجازات‌ها، از کلام حضرت به دست آمد.

واژگان کلیدی: علی علیه‌السلام، مجازات، روش نظریه مبنایی، کنترل اجتماعی، کجروی.

۱ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۲ استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسؤل). hfooladi@rihu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

در زندگی اجتماعی، انسان‌ها به دلایل گوناگون که در جای خود به آنها تصریح شده، دارای ارزش‌ها و تمایل‌های مختلف و حتی در مواردی متضاد با یکدیگرند. آنچه تداوم زندگی جمعی را موجب می‌شود، حاکمیت نظم بر روابط جمعی است که در پرتو وجود حکومت و پیاده شدن مجموعه‌ای از آداب و رسوم مشترک و نیز اجرای قوانین است که هم‌نوایی عمومی را در روابط آنها با یکدیگر به دنبال دارد؛ فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در کنار همدیگر محصول هم‌نوایی عمومی آنان است که از طریق فرایند جامعه‌پذیری، پیروی از هنجارها و الگوهای نقش و گروه‌های مرجع اجتماعی و نیز کاربست جدی مکانیسم‌های نظارت و کنترل اجتماعی محقق می‌شود. (محسنی، ۱۳۸۱: ۶۷ - ۷۱ و ۳۰۹ - ۳۱۳). اساساً می‌توان خاستگاه نامگذاری برخی از رفتارها به عنوان رفتار انحرافی را در نقض هم‌نوایی عمومی افرادی در جامعه دانست؛ به گونه‌ای که اقدامات کسانی با هنجارهایی که اکثریت پیروی می‌کنند، هم‌نوایی ندارد. از این رو، آشفتگی‌های رفتاری و در نتیجه اقدامات هنجارشکنانه در کنش‌های اجتماعی افراد جامعه مشاهده می‌شود که بخشی از این کنش‌ها، تا آنجا که تهدیدی علیه نظم اجتماعی نباشند، طبیعی بوده و بلکه گریزی از آنها نیست. زیرا آرامش و بهروزی همگانی در سایه پیروی اکثریت از الگوهای مطلوب اجتماعی است که چنین وضعیتی بیانگر حاکمیت نظم اجتماعی بر تعامل‌های جمعی اعضای جامعه در سطوح مختلف آن است. در واقع تأکید قابل توجهی که در ادبیات دینی نسبت به برخی از تکالیف همانند حکم به وجوب امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، می‌تواند ناشی از دغدغه‌مندی نسبت به حفظ هنجارهای مطلوب دینی در صحنه تعامل‌های اجتماعی قلمداد شود. بر همین سیاق می‌توان کنترل انحرافات اجتماعی را در معنای فراگیر آن وظیفه‌ای عمومی و همگانی از منظر دینی دانست؛ به گونه‌ای که تکالیفی همانند امر به معروف و نهی از منکر اختصاص به فرد یا گروه خاصی نداشته و در ترک آن همگان مسئول بوده و باید پاسخگو باشند. در جریان نظارت بر تعامل‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها، مجموعه اقدامات پیشگیرانه و اتخاذ رویکردهای اصلاح‌گرانه از اهمیت بیشتری برخوردارند. مجموعه اقداماتی با عنوان مجازات را می‌توان راه‌کارهایی نهایی و گریزناپذیر قلمداد کرد. بدیهی است غفلت از رفتارهای انحرافی، موجب تشدید کجروی و شیوع آن در جامعه شده و در نتیجه به هم‌ریختگی نظم و انسجام اجتماعی و رواج هرج و مرج را به دنبال خواهد آورد.

می‌توان مدعی شد آنچه بن‌مایه اقدام‌های کنترلی را در تجویز انواع مجازات تشکیل می‌دهد، نه برای انتقام‌گیری بلکه در جهت حفظ و تداوم امنیت اجتماعی جامعه ضروری می‌داند. مسئله اساسی این است که برای تحقق این خواسته مهم، چه اقداماتی را باید عملیاتی کرد تا کجروان را به ترک کنش‌های هنجارشکنانه وادار کرد.

می‌توان ادعا کرد که در بررسی منابع دینی، در مرتبه نخست، گزاره‌های مرتبط با راه‌کارهای پیشگیرانه و سپس درمانی در جهت همراهی ارادی و عمومی اعضای جامعه و نیز درمان آنان با هدف جامعه‌پذیری مجددشان در راستای بازگشت از انواع کنش‌های هنجارشکنانه، فراوانی به مراتب بیشتری را در مقایسه با گزاره‌های مرتبط با مجازات کجروان دارا هستند. این مهم را در بررسی گزاره‌های قرآن کریم^۱ و سایر منابع دینی می‌توان مشاهده کرد. بررسی نهج‌البلاغه که منبعی قابل اعتماد است و استخراج و دسته‌بندی گزاره‌های مربوط به کنترل انحرافات اجتماعی از دیدگاه حضرت علی علیه‌السلام، نشان داد که هم‌راستا با قرآن است؛ زیرا حجم گزاره‌های ناظر بر ارائه راه‌کارهای پیشگیرانه و درمانی، ابعاد بسیار زیادتری را نسبت به راه‌کارهای مجازات منحرفان دارد.

از حجم گزاره‌های پیشگیرانه و درمانی و نیز در نگاه کلی به رویکرد مکتب اسلام درباره ارشاد و هدایت انسان‌ها، می‌توان به گفت که مقوله مجازات رویکردی است که پس از آگاهی بخشی‌ها، زمینه‌سازی‌ها و تمام شدن حجت‌ها در زندگی جمعی موجه بوده و برخوردهای قهری در قالب مجازات‌ها پس از آن مراحل است. با این وصف، مسئله مورد بررسی شناسایی و ارائه راه‌کارهای کنترل انحرافات اجتماعی از طریق اعمال مجازات در خصوص افراد هنجارشکن در جامعه است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به حاکمیت نظام حکومتی اسلامی و ادعای پیروی اکثریت جامعه از پیشوایان دین، انجام مطالعاتی از این قبیل برای کسب آگاهی از مجموعه برنامه‌های آنان در حوزه‌های مختلف و از جمله نحوه مجازات کجروان اجتماعی، اهمیت و ضرورت این تحقیق را دوچندان می‌سازد که در عین حال حرکتی در جهت بومی و اسلامی‌سازی علوم انسانی است.

۱ در این زمینه رجوع کنید به رساله دکتری آقای محمد داوری با عنوان کنترل اجتماعی در آموزه‌های قرآن با راهنمایی آقای دکتر اورعی؛ ارائه شده در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۳۹۳.

سؤال تحقیق

پژوهش حاضر در راستای کشف و توصیف مسئله مذکور به دنبال پاسخ این سؤال است که از مجموعه کلمات امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه چه راه‌کارهایی برای مجازات هنجارشکنان اجتماعی می‌توان استنباط کرد؟

پیشینه پژوهش

علی‌رغم وجود گزاره‌های مفید و شایان توجهی که در منابع اسلامی و از جمله نهج‌البلاغه درباره راه‌کارهای تربیت و جامعه‌پذیری افراد جامعه و نیز نقش اصلاح ساختارهای اجتماعی در جهت ایجاد روابط سالم و پرهیز از کنش‌های هنجارشکنانه وجود دارد، تحقیقی مطابق با عنوان فوق یافت نشد؛ اما در عین حال، به برخی از پژوهش‌ها می‌توان اشاره کرد که رویکرد آنها به صورت کلی ورود به مسئله مجازات از منظر اسلام و ملاحظه دیدگاه‌های حقوقی و بعضاً اجتماعی در این زمینه است که مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آنها با موضوع مقاله معرفی می‌شوند:

- درّی نجف‌آبادی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «مبارزه با فساد در حکومت علوی علیه‌السلام»، ضمن اشاره به هدف و انگیزه امام علی علیه‌السلام از پذیرش حکومت و بررسی شرایط و زمینه‌هایی از دوران خلیفه سوم که منجر به برپایی حکومت امام گردید بحث کرده و احادیث مربوط به مبارزه حضرت با انواع مفساد و نیز ویژگی‌های قضات را مفصل توضیح داده است.
- فلاحی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مجازات در حقوق کیفری اسلام»، فلسفه و هدف از کیفر مجازات در شریعت اسلامی را از منظر حقوقی به صورت کلی بررسی کرده است.
- سجادی (۱۳۸۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در رشته مدیریت با عنوان نظام کنترل و نظارت در اسلام (مطالعه تطبیقی با مدیریت عملی) با تأکید بر حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بررسی اصول اساسی روش‌های کنترل و نظارت را از منظر دانش مدیریت با رویکردی جامعه‌شناختی دنبال کرده و در مواردی از مقوله مجازات نیز بحث کرده است.
- قدیمی ذاکر (۱۳۷۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با عنوان دیدگاه‌های جرم‌شناسانه امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام در دو بخش موضوع جرم را بررسی کرده است. در بخش اول با رویکردی

- زیستی- روانی و در بخش دوم با رویکردی جامعه‌شناختی پدیده جرم را با بیان عوامل اجتماعی و محیطی مؤثر در بروز آن تبیین کرده است.
- خسروی، محمدحسن (۱۳۸۷)، در کتاب خود با عنوان «راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام از منظری حقوقی، اصول پیشگیری از جرم را در دیدگاه علی علیه‌السلام بررسی کرده و در ادامه آن به صورت کوتاه روش‌های برخورد امام را با مجرم آورده است.
- رحمدل (۱۳۸۹) در کتاب تناسب جرم و مجازات، مبانی نظری تناسب جرم و مجازات و نیز تناسب آن را در حقوق ایران با رویکردی حقوقی مطرح کرده است.
- یزدیان جعفری (۱۳۹۱) در کتاب چرایی و چگونگی مجازات، مجازات را از دید فقهی و حقوقی واکاوی کرده و طی فصل‌هایی مفصل و با نقل دیدگاه‌های حقوقدانان، ابعاد آن را بحث کرده است.
- ولایی (۱۳۹۱) در کتاب جرایم و مجازات‌ها در اسلام، در چند بخش به تبیین قواعد اجرای مجازات، انواع مجازات‌های تأدیبی، تعزیری و حدی و مجازات‌های مستوجب قصاص و نیز شرایط اجرای مجازات‌ها در اسلام، با بررسی دیدگاه فقها از منظری حقوقی مفصل بحث کرده است.
- چنانچه پیداست پژوهش حاضر تفاوت اساسی با تحقیقات پیشین دارد؛ زیرا هم مقوله مجازات را به طور خاص از دیدگاه حضرت امیر علیه‌السلام در نهج‌البلاغه با رویکردی جامعه‌شناختی و نیز توجه به آثار اجتماعی آن بررسی کرده و هم سعی کرده در عین اینکه انواع شیوه‌های مجازات را متناسب با جرم‌های ارتكابی بیان کند، کارکردهای هر یک را نیز در پرهیز دادن افراد جامعه از کنش‌های منجر به نقض هنجارهای مهم خاطر نشان سازد. همچنین از آنجا که در این پژوهش با استفاده از روش نظریه‌مبنایی رویکردی کیفی در تحلیل گزاره‌ها به کار گرفته شده، از پژوهش‌های قبلی کاملاً متفاوت است.

روش پژوهش

چنانچه اشاره شد برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، که از نوع تحقیقات کیفی و اکتشافی متن‌محور است، با استفاده از رهیافت استقرای کیفی جستجو در نهج‌البلاغه انجام گرفت و برای تحلیل داده‌ها از روش نظریه‌مبنایی یا زمینه‌ای^۱ استفاده شد. در این روش، برای گردآوری

گزاره‌های مرتبط با مسئله پژوهش، پس از مطالعه عمیق نهج البلاغه، آن بخش از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار که حاوی مطالبی مرتبط با سؤال پژوهش بود به عنوان واحد تحلیل جمع‌آوری و سپس در راستای درک مفاهیم مستتر در جملات، کدگذاری اولیه انجام گرفت که در واقع این کدهای اولیه حاکی از مفاهیم موجود در خود داده‌ها و فرایندی برای ایجاد ارتباط بین مفاهیم برآمده از دل داده‌ها و استخراج مضمون جمله جهت ایجاد دسته‌بندی جدیدتر می‌باشد. در مرحله کدگذاری محوری، پراکندگی موجود میان کدها در مرحله کدگذاری اولیه، به اتحاد نسبی تبدیل شده و میان دسته‌بندی‌های به وجود آمده در مرحله کدگذاری اولیه، ارتباط جامع‌تری به وجود می‌آید تا از فراوانی کدهای قبلی، مقدار قابل توجهی فرو کاسته شود. آخرین مرحله از کدگذاری‌ها، کدگذاری گزینشی یا انتخابی نام دارد که در این فرایند از میان دسته‌بندی‌های مختلف، یک دسته به عنوان هسته و مرکز برگزیده شده و سایر دسته‌ها به آن دسته ارتباط داده می‌شود. ایده اصلی همانا ایجاد هسته‌ای اصلی برای ارتباط دیگر داده‌ها به آن هسته است. اگرچه مقوله گزینشی از درون تحقیق بیرون می‌آید، باز یک مفهوم انتزاعی است که حاصل همه تحلیل انجام گرفته در تحقیق، در قالب چند کلمه بیان می‌شود. در واقع این چند کلمه حاکی است که کل تحقیق درباره چیست (استراوس و کرین، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

چارچوب مفهومی پژوهش

این پژوهش، با توجه به نوع مطالعه آن، یک مطالعه اکتشافی مبتنی بر روش نظریه‌مبنایی بوده و از این نظر فاقد چارچوب نظری است. زیرا با توجه به تفاوت‌های پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسی‌های کیفی و اکتشافی به جای استفاده از چارچوب نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۹۰).

تعریف مفاهیم مرتبط با پژوهش

«راه‌کار» را می‌توان به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی که جهت برخورد با یک وضعیت به کار بسته می‌شوند، تعریف کرد. روشن است که این سیاست‌ها و برنامه‌ها بر

باورداشت‌ها و اصولی مبتنی است که از آبخشور آنها دست‌یابی به اهداف میسر می‌گردد (کویین و دیگران، ۱۳۷۳: ۳۳-۴۶).

«کنترل اجتماعی» را به مجموعه شیوه‌ها، تدابیر و وسایلی که یک جامعه، یا یک گروه در راه تحقق اهداف و هدایت افرادش در جهت رعایت آداب، عادات، شعائر، مناسک و هنجارهای پذیرفته خود به‌کار می‌گیرد تعریف کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۹۸). از آنجا که همه جوامع دارای هنجارها و قواعد حاکم بر سلوک خاص خود هستند و جامعه‌ای بدون این هنجارها قابل تصور نیست، همه جوامع سازوکارهایی برای تضمین پیروی از آن قواعد و برخورد با کجروی‌های اجتماعی دارند.

«انحراف اجتماعی» در زندگی جمعی، به معنای سرپیچی از حرکت در راه‌های تعیین شده مدل‌های رفتاری و هنجارهای نهادی است که رفتار جمعی را رهبری و هدایت می‌کنند. با این بیان، فرد منحرف کسی است که افعال و کنش‌هایش از چارچوب‌های تعیین شده زمینه اجتماعی - فرهنگی محیط خارج شود. انحراف از هنجارهای اجتماعی صورت‌های گوناگونی دارند؛ از ناهم‌نوایی فردی گرفته تا ناهم‌نوایی‌های جمعی که دارای ماهیت جمعی و ناشی از بی‌نظمی‌های اجتماعی می‌باشند (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۵۱-۳۵۰). این واژه را در فرهنگ اسلامی نیز می‌توان به عدم پای‌بندی به دستورات اجتماعی اسلام که از سلسله مراتب اهمیت برخوردارند، تعریف کرد؛ به این معنا که چنانچه فردی در جامعه اسلامی، نسبت به پیروی از هنجارهای اسلامی در عمل پای‌بندی از خود نشان ندهد، از منظر اسلامی بر حسب اهمیت آن هنجارها دچار انحراف و کجروی شده است.

مراد از «پیشگیری» هر اقدامی که به منظور جلوگیری از وقوع یک پدیده، قبل از وقوع آن انجام شود، پیشگیری از آن پدیده محسوب می‌شود. این اقدام در واقع نوعی پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به استقبال رفتن است که گاهی به‌صورت هشدار و آگاهی دادن نیز تحقق پیدا می‌کند. «درمان» مفهومی است برای اشاره به افرادی که از درونی‌سازی هنجارها و رعایت قواعد رفتار بر طبق عوامل گوناگون سر باز می‌زنند و به کنش‌های ناپه‌نجان رو آورده و درگیر اقدامات انحرافی می‌شوند و در واقع، تمایلات هنجارشکنانه خود را جامه عمل می‌پوشانند؛ درمان یعنی اقداماتی که چنین افرادی را از کنش‌های هنجارشکنانه بازدارند و به پیروی از چارچوب‌های پذیرفته شده برگردانند.

«مجازات» اشاره به مجموعه راه‌کارهایی است تا پس از ناکامی در رویکردهای پیشگیرانه و درمانی به ناچار، برای کنترل کنش‌های کجروانه، مانع ایجاد کرده و از تداوم رفتارشان با استفاده از اهرم‌های گوناگون، جلوگیری شود.

مراد از «شرایط علی» شرایطی است که بر پدیده اثر می‌گذارند و در واقع به حوادث، رویدادها و اتفاقاتی اشاره دارد که منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شود (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

«شرایط مداخله‌گر» آنهایی هستند که شرایط علی را دخیل یا به نحوی تغییر می‌دهند. شرایط دخیل اغلب برخاسته از اوضاع و احوال غیرمنتظره هستند (استراس و کرین، ۱۳۹۰: ۴-۱۵۳).

«شرایط زمینه‌ای» مجموعه خاصی از شرایط است که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که افراد با عمل/تعامل‌های خود به آن پاسخ دهند (همان: ۱۵۴). شرایط زمینه‌ای ریشه در شرایط علی دارند و محصول تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون هستند (همان).

«پدیده» واژه‌ای است که به پرسش از جریان چیست، پاسخ می‌دهد. پدیده شکل‌های تکرارشونده رویدادها یا اعمال و تعامل‌هاست. رویدادها، اعمال یا تعامل‌هایی که افراد به تنهایی یا جمعی در پاسخ به موقعیتی که در آن قرار دارند به زبان می‌آورند یا آن را انجام می‌دهند (همان: ۱۵۲).

استراتژی‌ها و راهبردهایی که کنشگران در مواجهه با پدیده و با توجه به شرایط علی و زمینه‌ساز اتخاذ می‌کردند، باید گفت عمل/تعامل‌ها، اصطلاحاتی هستند که برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی و چگونگی مدیریت موقعیتها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌بریم. عمل/تعاملات کنش‌هایی تعمدی و هدفمند هستند که برای حل مسئله صورت می‌گیرند (همان: ۱۵۵).

اما در خصوص پیامدها باید گفت: پیامدها نتایج اعمال و تعامل‌ها هستند. پیامدها به ما می‌گویند در نتیجه اعمال و تعامل‌هایی که تحت چنان شرایطی صورت گرفته یا نگرفته، چه پیش آمده (همان: ۱۵۰). برخی از پیامدها خواسته و برخی دیگر ناخواسته‌اند (همان: ۱۵۶).

پیامدها می‌توانند کم یا زیاد، کوتاه مدت یا بلند مدت، فوری یا تدریجی، مشهود یا پنهان، قابل پیش‌بینی یا غیرقابل پیش‌بینی، دارای اثر محدود یا گسترده باشند (همان: ۱۵۷).

در اینجا آن بخش از کنترل اجتماعی مدنظر بوده که جنبه اجرایی داشته و در واقع متولی آن نهادهای رسمی و حکومتی در جامعه است. مجموعه راهکارهایی در قالب مجازات‌های سخت و تنبیهی محل بحث است که مبتنی بر نوع رفتارهای هنجارشکنانه افراد و با در نظر گرفتن تناسب مجازات با کجروی افراد باشد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش گزاره‌ها به همراه ترجمه آنها آورده شده و پس از کدگذاری اولیه، در جدولی مقوله‌های محوری از مفاهیم دسته‌بندی شده انتزاع و در ادامه با توصیف و تحلیل مقوله‌ها، در نهایت مقوله انتخابی ارائه شده است:

جدول شماره ۱ کدگذاری مجموعه گزاره‌های ناظر به مجازات هنجارشکنان

متن عربی	ترجمه	آدرس	کدگذاری
أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ (الفرقة) فَاقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ.	هر کس که مردم را به این شعار «تفرقه و جدایی» دعوت کند او را بکشید، هر چند زیر عمامه من باشد.	خ ۱۲۷	دستور به کشتن دعوت‌کننده به تفرقه و جدایی ^۱
... أَنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) رَجِمَ الزَّائِي الْمُحْصَنَ رسول خدا (ص) زناکاری را که همسر داشت سنگسار کرد...	خ ۱۲۷	حکم سنگسار در زناى محصنه
... أَنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) ... قَتَلَ الْقَاتِلَ	رسول خدا (ص) ... قاتل را کشت	خ ۱۲۷	کشتن قاتل
لَا أَلْفَيْتُكُمْ تَحْضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْضًا تَقُولُونَ قَتَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ [قَتَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ] أَلَا لَا تَقْتُلُنَّ بِي إِذَا قَاتِلِي أَنْظَرُوا إِذَا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هَذِهِ فَاضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بَضْرِبَةٍ	مبادا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید (و دست به کشتار بزنید) و بگوئید، امیرمؤمنان کشته شد، بدانید! جز کشته شدن کسی دیگر نباید کشته شود. درست بنگرید! اگر من از ضربت او مُردم، او را تنها یک ضربت بزنید.	ن ۴۷	حکم قتل برای قاتل
... أَنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) ... قَطَعَ [يَدَ] السَّارِقِ	رسول خدا (ص) ... دست دزد را برید	خ ۱۲۷	قطع دست دزد
... أَنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) ... جَلَدَ الزَّائِي غَيْرَ الْمُحْصَنِ	رسول خدا (ص) ... زناکاری را که همسر نداشت تازیانه زد	خ ۱۲۷	زدن با تازیانه در زناى غیر محصنه

۱ در مواردی اگر در جامعه افراد و یا گروه‌هایی پیدا شوند که به تلاش در جهت انشقاق و تکه تکه کردن اتحاد جامعه برآیند، همانند کاری که خوارج در زمان حضرت امیر علیه‌السلام انجام دادند، چنانچه از مسیر افراط و تفریط و تفرقه‌افکنی بازنگردند و به اصلاح خود نپردازند، راهی جز مقابله و مبارزه با آنان باقی نمی‌ماند (مکارم، ۱۳۸۶: ۵ ج: ۳۲۸-۳۳۵ با اندکی دخل و تصرف).

ادامه جدول شماره ۱ کدگذاری مجموعه گزاره‌های ناظر به مجازات هنجارشکنان

متن عربی	ترجمه	آدرس	کدگذاری
فَرَضَ اللَّهُ ... إِقَامَةَ الْخُدُودِ إِعْظَامًا لِلْمَحَارِمِ	خداوند ... اجرای «حدود» را برای بزرگداشت محرمات الهی واجب کرد	ح ۲۵۲	اجرای حدود ^۱
... فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ او را (به مقداری که در کار خود خیانت کرده) با تازیانه کیفر کن ...	ن ۵۳	تازیانه زدن به خیانتکار
... ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذْكَهِ سپس او را خوار دار ...	ن ۵۳	خوار کردن خیانتکار
ازْجُرِ الْمُسِيءَ بِبَوَابِ الْمُحْسِنِ	بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار، آزار ده.	ح ۱۷۷	پاداش نیکوکار، آزاری علیه بدکار
... وَ وَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ و او را خیانتکار بشمار ...	ن ۵۳	قراردادن خیانتکار در زمره خیانتکاری
... وَقَلَّدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ	... و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.	ن ۵۳	معرفی عمومی خیانتکار به بدنامی
فَرَضَ اللَّهُ ... الْقَصَاصَ حَقًّا لِلدَّمَاءِ ...	خدا ... «قصاص» را برای پاسداری از خون‌ها... واجب کرد ...	ح ۲۵۲	قصاص ^۲
... لَمْ يَكُنْ أَحَدًا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ أَعْوَجَ مِنْكُمْ ثُمَّ أَعْظِمُ لَهُ الْعُقُوبَةَ وَ لَا يَجِدُ عِنْدِي فِيهَا رُخْصَةً خوارترین افراد نزد من انسان کج‌رفتار است، که او را به سختی کیفر خواهم داد، و هیچ راه فراری نخواهد داشت ...	ن ۵۰	مجازات جدی کج‌رفتار
فَمَنْ قَارَفَ حَكْرَةَ بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَنَكَّلْ بِهِ وَ عَاقِبْهُ [مِنْ] فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ.	پس کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود.	ن ۵۳	مجازات محترک پس از منع از احتکار
... وَ أَحَدْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر ...	ن ۵۳	بازپس‌گیری اموال در تصرف خیانتکار
... وَ السَّلْوُ عَوْضُكَ مِنْ عَدُوِّكَ و دوری کردن، کیفر خیانتکار است ...	ح ۲۱۱	طرد خیانتکار ^۳

جدول کدگذاری محوری: در این بخش مقوله‌های به دست آمده در مرحله کدگذاری اولیه در

قالب مفاهیم محوری و کلی تری تجمیع شده تا توضیح‌های کامل تری نسبت به آنها ارائه گردد.

۱ بدیهی است با اجرای حد، گناه در نظرها پراهمیت خواهد شد و کمتر کسی به سراغ آن می‌رود؛ زیرا می‌داند علاوه بر مجازات الهی در سرای آخرت، در این دنیا هم مجازات سنگینی دامن او را می‌گیرد و این امر سبب امنیت جامعه و حفظ آن از آلودگی‌های گسترده خواهد شد. (مکارم، ۱۳۹۰: ۱۴: ۹۱)

۲ درست است که ظاهراً بر اثر قصاص، فردی از جامعه حذف می‌شود ولی این حذف سبب پیشگیری از قتل‌های آینده است، زیرا افرادی که به فکر قتل دیگران می‌افتند هنگامی که منظره قصاص در نظرشان مجسم می‌شود و خود را در خطر قطعی می‌بینند از این عمل خودداری می‌کنند (مکارم، ۱۳۹۰: ۱۴: ۹۱).

۳ در برابر کسانی که پیمان خود را با انسان می‌شکنند دو گونه عکس‌العمل ممکن است نشان داد: نخست اقدام متقابل و پیمان‌شکنی و راه دیگر اینکه انسان آنها را از صفحه زندگی خود طرد و حذف کند و برای همیشه به فراموشی بسپارد و این مجازاتی است سنگین‌تر برای این افراد؛ زیرا نه تنها یک دوست وفادار را از دست داده‌اند، بلکه دیگران هم که از این رخداد باخبر شوند از پیمان‌شکن فاصله می‌گیرند (مکارم، ۱۳۹۰: ۱۳: ۲۲۱).

جدول شماره ۲ جدول کدگذاری محوری

مفاهیم محوری	مؤلفه‌ها
مجازات بدنی	قطع دست دزد، زدن با تازیانه در زنای غیرمحصنه، تازیانه زدن به خیانتکار، اجرای حدود، مجازات جدی کجرفتار
مجازات روحی و روانی	خوار کردن خیانتکار، پاداش نیکوکار آزاری علیه بدکار، قراردادن خیانتکار در زمره خیانتکاری، معرفی عمومی خیانتکار به بدنامی
مجازات سلب صلاحیت	طرد خیانتکار، بازپس‌گیری اموال در تصرف خیانتکار
مجازات اقتصادی	مجازات محکوم پس از منع از احتکار
مجازات سلب حیات	دستور به کشتن دعوت‌کننده به تفرقه و جدایی، حکم سنگسار در زنای محصنه، کشتن قاتل، حکم قتل برای قاتل، قصاص

با بررسی داده‌های مربوط به مجازات هنجارشکنان در نهج‌البلاغه، مجموعه‌ای از راه‌کارها وجود دارند که بیانگر شدت عمل و اعمال مجازات‌های خشن و بازدارنده نسبت به مجرمانی است که رویکردهای پیشگیرانه و اصلاحی در آنان مؤثر نبوده است؛ یعنی تجویز انواع شیوه‌های مجازات از تنبیه بدنی تا مجازات‌های مالی، روانی و حیثیتی و حتی سلب حیات مجرم را با قید ضرورت رعایت تناسب، میان مجازات با جرم ارتكابی، پس از ناکامی در رویکردهای پیشگیرانه و اصلاحی نسبت به مجرمان صورت می‌گیرد و همان‌طور که از عنوان این مقاله نیز پیداست در واقع اعمال مجازات، به عنوان آخرین راه‌کاری است که برای کنترل کنش‌های مجرمانه باید اجرا شود.

شایان ذکر است اگرچه امروزه در دنیا نسبت به مقوله جرم و نحوه مجازات مجرمان تغییری پدید آمده و به زعم خود نسبت به گذشته، «انسانی‌تر و همدلانه‌تر» شده، و از این منظر کوشیده است تا درک بهتری از مجرم و نحوه تعامل با وی را دریابد؛ ولی واقعیت میدانی قضیه حاکی است که این تغییر نگاه نتوانسته در کنترل جرم و جنایت و شکل‌گیری انواع مجرمان حرفه‌ای و کارکشته موفق شود (عبدی و کلهر، ۱۳۸۸: ۵). از این‌رو، دیدگاه دینی و از جمله مفاهیم استخراجی از کلمات حضرت امیر علیه‌السلام را می‌توان راه‌کاری گریزناپذیر و ضروری دانست که در اجرای آن نباید احساسات را داخل کرد.

ملاحظه کلی این مجموعه مفاهیم برای مجازات مجرمان، بیانگر این واقعیت است که با در نظر گرفتن اصل کلی تناسب مجازات با جرم، ظیفی از مجازات‌های مختلف در انتظار هنجارشکنان است. به نظر می‌رسد این تنوع در راه‌کارها، به عدالت نزدیک‌تر باشد؛ زیرا چه بسا

هنجارشکنانی که نوع عمل انحرافی آنان به گونه‌ای است که اجرای مجازات‌های متعدد متناسب با اثرات کنش‌های هنجارشکنانه، سزاوار و به جا باشد. برای مثال، کارگزاری خیانت‌پیشه که با سواستفاده از اعتماد جامعه به وی، در جامعه مرتکب خلاف شده و به حیثیت اجتماعی دین و مسلمین خیانت کرده، اقتضای انصاف و بلکه همراهی تمامی اعضای جامعه آن است که در مجازات چنین شخص خیانتکاری، علاوه بر جریمه‌های مالی که با سواستفاده از موقعیت خویش وارد کرده، از جنبه حیثیتی نیز با بدنام کردن او جبران شود تا خلافکاری‌اش بر همگان آشکار شده و آلودگی دامن دین و جامعه از چنین جرائمی پاک گردد؛ وگرنه در پنهانی و خلوت چنین فردی را محاکمه و جبران مافات کردن، تناسبی با کجروی آشکار و خیانت آن شخص خیانتکار نخواهد داشت. این مطلب گویای امکان صدور مجازات‌های متعدد برای برخی کجروی‌های خاص مثل «خیانتکاری» و همانند آن است. اساساً می‌توان تصریح کرد امروزه یکی از درخواست‌های همگانی در جامعه اسلامی، عدم رعایت شأن و مرتبه کارگزاران خائن از سوی محاکم قضایی و برخورد سریع و جدی با مجرمان دانه درشت و یقه سفید است. در اینجا توضیح کوتاهی درباره هریک از مفاهیم محوری فوق بیان می‌شود.

مجازات بدنی

ترکیب «مجازات بدنی» هر چند از نظر لغوی دارای معنا و مفهومی نسبتاً روشن است، تعریفی اصطلاحی نیز از آن ارائه نشده است. در این مقاله آنچه از این ترکیب قصد شده، مطابق با معنای لغوی آن، اجرای هرگونه مجازاتی است که منجر به وارد آمدن زجر و یا صدمه بر جسم شخص کجرو می‌گردد؛ اقداماتی همچون زدن تازیانه بر بدن مجرم، قطع دست دزد، زدن تازیانه بر بدن خیانتکار، اجرای حدود و... و با توجه به نوع مجازات‌ها در اینجا، از عنوان «مجازات بدنی» استفاده شد.

بیان این نکته ضروری است که اجرای مجازات‌های بدنی که در دین اسلام به آنها دستور داده شده، هیچگونه نسبتی با کارهای غیرقانونی و نامشروعی که به عنوان شکنجه از آنها یاد می‌شود ندارد؛ زیرا این‌گونه دستورهای دینی، حکمی متناسب با هنجارشکنی‌های خاصی همانند سرقت، خیانت، تعرض به دیگری و... است؛ ولی کارهایی مانند شکنجه، در واقع زجر برای گرفتن اقرار و اعتراف از انسان نسبت به کارهایی است که ای بسا اساساً وی خلافی را مرتکب

نشده و از این طریق می‌خواهند او را تحت فشار قرار دهند. بنابراین نباید در این موارد دچار سو برداشت شد.

روشن است که هدف در این‌گونه مجازات‌ها جنبه بازدارندگی آن مدنظر بوده تا تنبیه مجرم درس عبرتی برای دیگران باشد.

مجازات روحی و روانی

روان‌شناسان اجتماعی فرایند مهار رفتار نابهنجار کنشگر را با ارائه تقویت‌کننده منفی یا محرک آزارنده، زمینه‌ساز تضعیف رفتار نابهنجار می‌دانند (سیف، ۱۳۷۹: ۱۷۸). به بیان دیگر، می‌توان از طریق اعمال شیوه‌های آزارنده موجبات کاهش و یا حذف رفتار نامطلوب از سوی کنشگر را فراهم آورد. روشن است که شیوه‌های آزارنده نوعی مجازات و تنبیه برای شخص مرتکب رفتارهای نابهنجار و مجرمانه است. آنان روش‌های گوناگونی را برای کاستن یا از بین بردن رفتارهای منفی چنین افرادی ارائه داده‌اند که نتیجه آن راه‌ها بازداشته شدن وی از ادامه رفتار نابهنجار است؛ انسان با آزار و اذیتی که در نتیجه به کارگیری شیوه‌های بازدارنده به او می‌رسد، در واقع با نوعی مجازات، در قبال رفتار نابهنجار خویش متنبه می‌شود (همان: ۳۳۹-۳۳۰). مطابق کلام حضرت امیر علیه‌السلام، اینکه در جهت بازداشتن شخصی نابهنجار از ادامه رفتار هنجارشکنانه‌اش، فرد نیکوکاری را مورد تشویق قرار دهیم، در واقع با عدم حمایت و عدم تأیید فرد هنجارشکن و با تشویق رفتار پسندیده فرد بهنجار، وی مجازات شده و به این شیوه او برای تأیید رفتار از سوی دیگران، ناچار به ترک آن رفتار خواهد شد. همچنین خوار کردن فرد خیانتکار، نسبت دادن خیانتکاری به وی و نیز معرفی عمومی خیانتکار به بدنامی، به جهت اینکه مقبولیت اجتماعی وی را به شدت از بین می‌برد، این‌گونه راه‌کارها، مجازات‌های سنگین روحی و روانی برای فرد خیانتکار قلمداد می‌شود که پیامدی جز دوری سایر افراد از او آوردن به کارهایی که چنین مجازات‌هایی را به دنبال خواهد آورد، نخواهد داشت.

مجازات سلب صلاحیت

یکی از نکات قابل توجه و ارزشمند در مکتب اسلام خدمت‌رسانی به هم‌نوعان و توفیق کوشش در جهت رفع نیازهای آنان است؛ که این مهم با رسیدگی به حال افراد نیازمند و تلاش در حل مشکلات مردم دست‌یافتنی است؛ در واقع هر فردی آنگاه نزد خداوند جایگاه بالاتری

خواهد داشت که نفع وی به مردم بیش از سایرین باشد. در روایتی به نقل از پیامبر اسلام (ص) آمده که از حضرتش سؤال شد چه کسی محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خداوند است، در پاسخ فرمودند: «آنکه نفعش به انسان‌ها بیشتر برسد.»^۱ یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که به انسان امکان می‌دهد تا در جهت خدمت به هم‌نوعان اقدام کند، کسب صلاحیت و پذیرش اجتماعی برای عهده‌داری امور مردم و دسترسی به اموال عمومی برای خدمت به آنان است، تا با اعتماد و مقبولیتی که فرد با حسن امانت‌داری پیدا می‌کند به ادامه خدمت بپردازد؛ روشن است که انسان پایبند به چنین روندی احساس خوشایندی از انجام وظیفه در خدمت به دیگران خواهد داشت؛ با این اوصاف، اگر شخصی از اعتماد عمومی سوء استفاده کرد و مرتکب خیانت شد، روشن است که اقتضای خیانتکاری، «باز پس‌گیری اموال در اختیار» از او خواهد بود؛ علاوه بر اینکه اگر این بی‌اعتمادی و بازپس‌گیری اموال در تصرف وی همراه شود با معرفی وی به عنوان شخصی «بدنام»، «خیانتکار» و... یا طرد وی از اجتماع. روشن است که آگاهی از وجود این‌گونه مجازات‌ها بسیاری از اشخاص را از دستبرد و خیانت در اموال عمومی بازمی‌دارد.

در میان دستورهای حکومتی حضرت امیر علیه‌السلام مجازات شخص «خیانتکار» را می‌توان در زمره شدیدترین انواع مجازات‌ها دانست؛ زیرا مجموعه‌ای از انواع مجازات‌ها را به صورت یکجا علیه شخص خیانتکار مطرح کرده‌اند؛ آنجا که می‌فرمایند: «از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم (متفقاً) آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار (به عنوان) گواهی قناعت کرده او را (به مقداری که در کار خود خیانت کرده) (۱) با تازیانه مجازات کن، (۲) آنچه از اموال که در اختیار دارد از او بازپس‌گیر، (۳) وی را خوار دار، (۴) او را خیانتکار بشمار، و (۵) طوق بدنامی به گردنش بیفکن.»^۲ این بیان حضرت گویای جواز نوعی از «مجازات ترکیبی» علیه خیانتکار است؛ آنجا که شخص خیانتکار علاوه بر تحمل مجازات جسمی (مجازات با تازیانه)، با انواعی از مجازات‌های حیثیتی و روانی (خوار کردن، خیانتکار شمردن، طوق بدنامی بر گردن وی افکندن) مجازات سلب صلاحیت (طرد و دوری گزیدن از او) نیز روبرو می‌شود (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۹).

۱ اَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۹: ۴).

۲ وَ تَحْفَظُ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عُنْدَكَ أُخْبَارُ عِيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذْكُورِ وَ وَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَّدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

مجازات اقتصادی

چنانچه اشاره شد مجازات هنجارشکنان معطوف به ترجیح مصالح اجتماعی بر مصلحت فردی و نیز با قصد اصلاح کجروان و نیز عبرت‌گیری دیگران از عاقبت کجروی اوست. البته در نگرش اسلامی در مواردی مجازات کجرو بر مبنای نقض هنجارهای اجتماعی و دستورات دینی صورت می‌پذیرد. بر این اساس، در پاره‌ای از کجروی‌ها، می‌بایست با ملاحظه دستور دینی از سویی و نوع نقض هنجارهای اجتماعی، مجازات به اجرا درآید؛ مثلاً در جرمی همانند احتکار با فراهم شدن شرایط تطبیق عنوان احتکار بر یک اقدام، که در کتاب‌های فقهی حدود شش شرط برای آن بیان شده، مجازاتی همانند جریمه مالی، زندان، شلاق و ... مطرح شده است (الامام الخمینی، (۱۳۸۴ق): ۶۸۱-۶۶۹).

مجازات سلب حیات

دستور حضرت امیر علیه‌السلام به سلب حیات از دعوت‌کننده به «تفرقه و جدایی» که در جریان جنگ جمل، نسبت به سران و عوامل اصلی آن فتنه عظیم مطرح شده از آنجا که اقدام آنان کین جامعه اسلامی را مورد تهدید جدی قرار داده و تفرقه را در جامعه موجب شده بود، نکته‌ای مهم را در برخورد با تفرقه‌افکنان و عوامل فتنه‌گر گوشزد می‌کند؛ زیرا چنین افرادی با اقدامات خطرناک و تفرقه‌افکنانه خود در بین مردم، موجب به هم خوردن همبستگی میان آنان می‌شوند. از این مطلب می‌توان اهمیت و جایگاه وحدت و یکپارچگی را در جامعه فهمید.

در مورد مجازات سلب حیات از طریق «سنگسار در زناى محصنه» نیز باید توجه داشت که در اسلام حکم فوق برای «زناى محصنه» در صورتی است که چنانچه مرد یا زنی که دارای همسر دائمی است و هرگاه هر یک از آنان نیاز جنسی داشت، امکان ارضا توسط همسر خود مهیا باشد و مانعی در کار نباشد؛ با این حال وی به زنا رو آورد و با زن شوهردار و یا مرد زنده دیگری نیاز جنسی خود را برآورد. روشن است که این اقدام حکایت از عدم سلامت چنین شخصی، اعم از مرد و زن، دارد. البته حکم زناى محصنه با تحقق شرایط شش‌گانه‌ای اجرا می‌شود که در کتاب‌های فقهی به صورت مفصل به آنها پرداخته شده است (همان: ۵۸۵-۵۸۹).

شایان توجه است که مکتب اسلام در مواردی همانند جان، ناموس، آبرو، مال و منزلت اجتماعی مردم بسیار حساس بوده و برای تعرض‌کنندگان به اینها مجازات سنگین و سختی در نظر گرفته است. در انحرافات جنسی نیز همان‌قدر که سختگیری در مجازات آن مطرح کرده، در نحوه

اثبات آن هم ملاحظات دشواری را در نظر گرفته است. برای مثال، راه اثبات زنا را در این دانسته که زن یا مرد بالغ، بدون اکراه و در کمال آزادی و صحت عقل و اختیار و با قصد، چهار مرتبه، اعتراف به عمل خلاف خود کنند و هر بار که اعتراف به زنا کردند، قاضی نه تنها نباید آنها را برای اعتراف در مرتبه بعد تحت فشار قرار دهد، حتی نباید آنها را تشویق به اعتراف نماید و بلکه باید به گونه‌ای این اعتراف آنان را توجیه به امور دیگر کرده و اگر امکان حمل بر عمل صحیح است بر آن حمل نماید و... یا چهار انسان عادل (که عدالت هم شرایط دشواری دارد) به طور محسوس و عینی کار آنها را دیده باشند و هر چهار نفر به آن عمل، هم‌زمان شهادت دهند (همان: ۵۸۹-۵۹۲).

«زنان غیر محصنه» نیز به معنای آن است که شخص زناکار، اعم از زن و مرد، فاقد همسر و مجرد باشد و به اختیار خود زنا کرده باشد. برای مجازات زناکار غیر محصنه، در مرتبه اول، یکصد ضربه شلاق و اگر تا سه مرتبه زنا کند و در هر مرتبه حد نیز خورده باشد، مجازات در مرتبه چهارم، سلب حیات از اوست (همان: ۵۹۳-۵۹۵).

با توجه به زمینه‌ها و شرایط رخداد این‌گونه اعمال انحرافی، به‌خصوص در مورد زنان محصنه، در واقع عمل شخص با این وضعیت، نمی‌تواند صرفاً از روی تحریک غریزه جنسی باشد، بلکه او گویا به فحشا روی آورده و از نظر اسلام چنین رویه‌ای برای جامعه و مسلمانان همانند غده‌ای چرکین خواهد بود که باید از بین برده شود تا خلافت‌کاری وی بیشتر به جامعه سرایت نکند و روشن است که هدف اصلی از صدور مجازاتی همانند سنگسار جنبه بازدارنده و عبرت‌گونه داشته تا چنانچه کسانی قصد انجام چنین کاری را داشته باشند با تصور عواقب آن، از انجام آن منصرف شوند.

با توجه به راه‌هایی که برای اثبات زنا در شرع اسلام بیان شده، به نظر می‌رسد در این مکتب، اصل بر عدم اشاعه و پرهیز از اثبات چنین مواردی بوده و حتی‌الامکان در صدور جلوگیری از میل به اثبات آن و نیز عدم پیگیری آن و بلکه موانعی دشوار در راه اثبات چنین عملی قرار داده است. باید خاطر نشان کرد که این رویکرد مکتبی برای کارگزاران و دست‌اندرکاران جامعه اسلامی بسی حائز اهمیت و شایان توجه است. گویا نگاه مکتب اسلام در این زمینه چشم‌پوشی و عدم کنجکاوی از تعامل‌های اجتماعی عمومی مردم است و چندان به دنبال دقت و ریزی‌بینی درباره تعامل‌های آنان نیست؛ زیرا با نگاه دقیق به شرایط اثبات زنا و اینکه چهار نفر هم‌زمان با هم عمل مزبور را از سوی آن دو عیناً مشاهده کنند، بسیار به‌ندرت می‌تواند

رخ دهد و جالب است که اگر این مشاهده عینی و قطعی برای تعدادی کمتر از چهار نفر از افراد مورد اطمینان پیش آید، آنان حق ندارند اقامه دعوا کرده و شهادت به آن عمل دهند؛ بلکه اگر چنین اقدامی کنند سزاوار تعزیر شده و مجازات می‌شوند.

قصاص (مقابله به مثل در جنایت عمدی): منظور واژه این است که انسان بداند در صورتی که مرتکب خطایی عمدی علیه دیگری شود، مقابله به مثل خواهد شد؛ به این معنا که اگر دست به کشتن دیگری بزند، او نیز کشته خواهد شد یا اگر آسیبی به کسی برساند مجازات برابر خواهد دید. حکم به قصاص و برخورد عقلانی با مقوله قتل و قاتل که به تعبیر قرآن موجب حیات و سلامت جامعه است، مطابق آیه شریفه که می‌فرماید: «و ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که به تقوا گرایید»^۱، از این بیان قرآن به دست می‌آید که حکم قصاص جنبه انتقام‌جویی ندارد؛ بلکه راه‌کاری عقلانی و گریزناپذیر برای بازدارندگی افراد از تداوم ارتکاب اعمال خطرناکی همانند قتل است و گویا اعلام این است که رویکرد جامعه نسبت به این‌گونه اعمال رضایت بر سلب حیات و حذف از حضور در جامعه درباره افرادی است که با زیر پا نهادن ترس از خدا، بی‌مهابا عمل می‌کنند و دیگران را می‌کشند. زیرا چنانچه به هر دلیلی در جامعه شخص قاتل با قصاص به سزای عملش نرسد، هم عدالت و هم امنیت از جامعه سلب می‌شود و البته تجربه هم نشان داده است که اگر این حکم برداشته شود و افراد جنایت‌کار احساس امنیت کرده و به جان مردم بیافتند، در چنین شرایطی آرامش از جامعه سلب خواهد شد. در قرآن کریم، خداوند می‌فرماید: «... هر کس انسانی را که نه مرتکب قتل شده و نه فسادی در زمین کرده، به قتل برساند، مثل این است که همه مردم را کشته و کسی که یکی را احیا کند، مثل این است که همه را احیا کرده باشد»^۲. از مفهوم آیه می‌توان دریافت که اهمیت زندگی و حیات از منظر قرآن بالا بوده و به همان میزان، سلب حیات از دیگری به ناحق تا چه اندازه سنگین و دارای آثار غیر قابل جبران است.

شایان ذکر است با توجه به اینکه در این پژوهش، صرفاً از گزاره‌های کتاب *نهج البلاغه* مرتبط با مقوله مجازات استفاده شد، گزاره‌ای مبنی بر «زندانی کردن» کجروان به دست نیامد؛ گو اینکه بر اساس مفاد نامه ۲۳ و ۴۷ *نهج البلاغه* که بعد از ضربت خوردن و قبل از شهادت

۱ وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره: ۱۷۹).

۲ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ، أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ، فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا، وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده: ۳۲).

حضرت امیر علیه‌السلام نوشته شده و در آنها اول تصریح کرده‌اند که چنانچه زنده ماندند، احتمال بخشش ضارب خود را داده‌اند و حتی در صورت شهادت و از دنیا رفتن نیز توصیه به بخشش در عین امکان اقدام به قصاص می‌دهند، با این حال، سفارش جدی پرهیز از قصاص غیرعادلانه کرده‌اند. آنچه از این بیان به دست می‌آید، بازداشت و زندانی ضارب حضرت است. با این همه، گزاره‌ای که تصریح به زندانی کجرو در نهج‌البلاغه کرده باشد وجود ندارد؛ هر چند با مطالعه سایر منابع و نیز سیره حضرت امیر علیه‌السلام حکم به زندانی مجرم را در دوران حکومت ایشان می‌توان نشان کرد. برای نمونه می‌خوانیم که حضرت کارگزارانی را که مرتکب تخلف می‌شدند، پس از عزلشان، از آنان می‌خواستند تا زیان‌های مالی وارد شده به بیت‌المال را جبران کنند؛ و چنانچه از پرداخت خسارت، خودداری می‌کردند، تا زمانی که خسارت وارده را جبران کنند حضرت آنان را زندانی می‌کرد. در همین زمینه نقل شده که منذر بر جارود عبدی را ۳۰۰۰۰ دینار یا درهم جریمه کردند، و وقتی وی از پرداخت آن خودداری ورزید، به زندان افکنده شد تا اینکه وقتی یکی از یاران حضرت به نام صعصعه بن صوحان عبدی مریض شد و حضرت امیر علیه‌السلام به عیادت وی رفت، صعصعه پرداخت جریمه منذر را تضمین کرد و از حضرت درخواست آزادی وی را خواستار شد (یعقوبی، ۱۳۷۹ق: ۲۰۴).

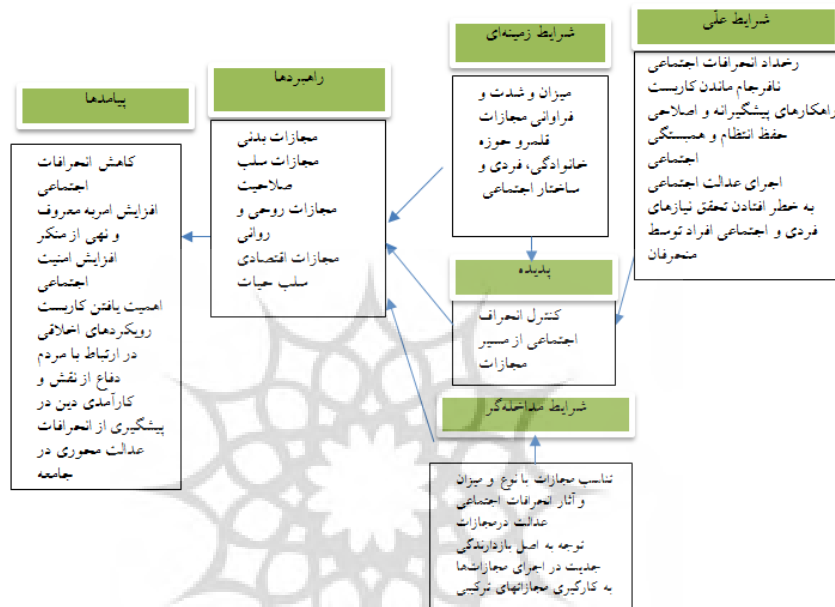
نکته قابل توجه اینکه مقوله زندان با کیفیتی که هم‌اکنون در بسیاری از جوامع، از جمله کشورهای اسلامی، وجود دارد در منابع اسلامی، کمتر دیده می‌شود.

جدول شماره ۳ کدگذاری انتخابی (گزینشی)

مفاهیم عمده و محوری:	
۱- مجازات بدنی	مجازات متنوع و متناسب با نوع کجروی
۲- مجازات روحی و روانی	
۳- مجازات سلب صلاحیت	
۴- مجازات اقتصادی	
۵- مجازات سلب حیات	

به نظر می‌رسد مقوله هسته‌ای یا انتخابی که بتواند مفاهیم مذکور در مقوله‌بندی محوری را پوشش دهد، «مجازات متنوع و متناسب با نوع کجروی» است که ناظر به مجموعه اقدامات

خشن و آزاردهنده برای کنترل کسانی است که به تجاوز از حدود قوانین اسلامی و اجتماعی پرداخته و همه راه‌کارها و اقدامات مرتبط با جامعه‌پذیری و نیز سایر هشدارها و توصیه‌های اصلاحی را نادیده گرفته‌اند.



مدل پارادایمی زمینه‌های مجازات متنوع و متناسب با نوع کجروی

بحث و نتیجه‌گیری

بدیهی است که هر انسان عاقلی در زندگی جمعی به دنبال آن است که در مواجهه با آسیب‌ها و یا خطرهایی، به تأمین نیازهای اساسی زندگی خود بپردازد و حتی پیش‌بینی‌هایی را نیز برای هنگامه برخورد با موارد ناخواسته مدنظر قرار می‌دهد؛ به همین جهت، اغلب انسان‌ها در تعامل‌های اجتماعی خود از ورود به عرصه‌های خطرآفرین دوری می‌گزینند و در مسیری که صدمه به سلامت جسم و روان آنها وارد می‌سازد، قدم نمی‌گذارند. وجه دیگر این قضیه وجود افرادی است که با نادیده گرفتن تمامی عوامل و راه‌کارهای پیشگیرانه و نیز مجموعه راهکارهای اصلاحی، بی‌مهابا و بدون توجه به هشدارها دست به هر کاری می‌زنند. روشن است که چنین رویکردی توسط چنین افرادی موجب نقض قواعد تعامل‌های اجتماعی شده و در نتیجه آنان خود را در معرض مقابله اعضای جامعه و نهادهای مسئول قرار می‌دهند. بدیهی است که در

چنین شرایطی اتخاذ رویکردهای کنترلی، حتی به صورت‌های خشن، برای جلوگیری از تداوم رفتارهای هنجارشکنانه و مجرمانه، گریزناپذیر است. در این پژوهش، همان‌طور که بیان شد، با روش کیفی گراند تئوری به دنبال کشف و تحلیل شیوه‌های کنترل کجروان اجتماعی در نهج‌البلاغه بودیم. در پی نتایج به دست آمده و در تشریح عناصر پارادایم تحقیق، باید گفت که شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای و نیز راهبردها و پیامدهای کنترل کجروان با تمرکز بر مقوله مجازات به شرح زیر بوده است:

طبق یافته‌های تحقیق، رخدادهای انواع کجروی‌ها و نافرجام ماندن کاربست راه‌کارهای پیشگیرانه و اصلاحی از یک سو و ضرورت حفظ انتظام و همبستگی اجتماعی در اثر به خطر افتادن تحقق نیازهای فردی و اجتماعی افراد توسط هنجارشکنان از سوی دیگر و نیز ضرورت اجرای عدالت اجتماعی از جهتی دیگر، به عنوان شرایط علی رخداد مجازات به‌شمار می‌آیند. در این پژوهش، شرایط مداخله‌گر در راستای اجرای انواع مجازات‌ها طبق قاعده تناسب میان نوع کجروی و مجازات مربوط به آن را فراهم کرده‌اند که عبارت‌اند از: ضرورت رعایت عدالت در مجازات، توجه به اصل بازدارندگی مجازات‌ها، لزوم رعایت تناسب میان کجروی و اجرای مجازات مرتبط با آن، جدیت در اجرای مجازات‌ها و پرهیز از دخالت عواطف و احساسات در آنچه مربوط به دستور دین است، با امکان به‌کارگیری برخی از مجازات‌ها به صورت ترکیبی برای پاره‌ای از کجروی‌ها همانند خیانت.

دوره زمانی، شدت و میزان برخی کجروی‌ها نقش شرایط زمینه‌ای را برای اجرای انواع مجازات‌ها داشته‌اند و پدیده مورد نظر در اینجا «کنترل انحراف اجتماعی از مسیر کاربست مجازات» است. همچنین به دلیل ضرورت رعایت قاعده تناسب مجازات با نوع کجروی باید توجه داشت که استراتژی این تناسب متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که درباره برخی از کجروی‌ها مجازات‌های بدنی، در مواردی مجازات سلب صلاحیت و همین‌طور مجازات روحی و روانی، مجازات اقتصادی و حتی مجازاتی در شکل سلب حیات از برخی کجروان مطرح است که در بخش‌های قبلی به اجمال توضیح داده شد و اما در خصوص پیامدها، با توجه به توضیحی که در خصوص پیامدها گذشت، مهم‌ترین پیامدهای مجازات را می‌توان در کاهش انحرافات اجتماعی، افزایش رویکرد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، افزایش امنیت اجتماعی، اهمیت یافتن کاربست رویکردهای اخلاقی در ارتباط با مردم، دفاع از نقش و کارآمدی دین در پیشگیری از

انحرافات اجتماعی و نیز عدالت‌محوری در جامعه در مقایسه میان هم‌نویان و ناهم‌نویان ذکر کرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
- نهج‌البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشرقین، چاپ ششم.
- الامام الخمینی (الموسوی)، سید روح‌الله (۱۳۸۴ق)، تحریر الوسیله؛ الجزء الثاني؛ طهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- استراوس، انسلم و جولیت کرین (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: مؤسسه کیهان.
- خسروی، محمدحسن (۱۳۸۷)، راه‌کارهای کنترل جرم از نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، قم: انتشارات نورالسجاد.
- داوری، محمد (۱۳۹۳)، کنترل اجتماعی در آموزه‌های قرآن کریم رساله دکتری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دری نجف‌آبادی، قربان‌علی (۱۳۷۹)، «مبارزه با فساد در حکومت علوی (ع)»، حکومت اسلامی، سال پنجم، شماره سوم، شماره پیاپی ۱۷: ۲۹۲-۲۵۳.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۹)، تناسب جرم و مجازات، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- سجادی، سیدعلی (۱۳۸۰)، نظام کنترل و نظارت در اسلام (مطالعه تطبیقی با مدیریت علمی) با تأکید بر حکومت امیرالمؤمنین (ع)، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه‌ها و روشها، چاپ چهارم، تهران: نشر دوران.
- عبدی، عباس و سمیرا کلهر (۱۳۸۸)، جرم، مجرم و مجازات در ایران؛ تهران: نشر علم.
- فلاحی، احمد (۱۳۸۹)، «مجازات در حقوق کیفری اسلام»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۰: ۶۹-۹۲.

- فیروزآبادی، سید احمد و علیرضا صادقی (۱۳۹۲)، طرد اجتماعی: رویکرد جامعه‌شناختی به محرومیت (بررسی مفهومی، دیدگاه‌های نظری و مطالعات موردی در ایران)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قدیمی ذاکر، سیدعبدالزهره (۱۳۷۷)، دیدگاه‌های جرم‌شناسانه امیرالمؤمنین علی (ع) رساله دکتری؛ دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و حقوق.
- کوین، جیمز براین و دیگران (۱۳۷۳)، مدیریت استراتژیک «فرایند استراتژی»، ترجمه محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۱)، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی ضد روش، تهران: جامعه‌شناسان.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۶)، پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام: شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه، جلد پنجم، قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام: شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه، جلد سیزدهم، قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام: شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه، جلد چهاردهم، قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
- ولایی، عیسی (۱۳۹۱)، جرائم و مجازات‌ها در اسلام، تهران: مجد.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱)، چرایی و چگونگی مجازات، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات.
- یعقوبی، ابن‌واضح (۱۳۷۹ق)، تاریخ‌الیعقوبی، ج ۲، بیروت: دارالصادر.